

صلى الله عليه وسلم



دانشکده حقوق و علوم اجتماعی تبریز

گروه تاریخ

پایان نامه درجه کارشناسی ارشد

رشته تاریخ گرایش تاریخ عمومی جهان

عنوان فارسی

نقش تهاجمات خارجی و گسست‌های تاریخی، فرهنگی در عدم شکل‌گیری پدیده دولت - ملت در افغانستان

استاد راهنما

دکتر رضا دهقانی

استاد مشاور

دکتر غلامعلی پاشازاده

پژوهشگر

فریبرز محمدخانی

تاریخ ارائه ۱۳۹۳/۶/۱۷

تقدیم به:

خانواده گرامی، پژوهشگران

و دوستان گرامی

سپاسگزاری

ضمن ادای احترام، از زحمات استادان بزرگوار و گرامی خود، این فرزندگان راه علم و دانش جناب آقای دکتر رضا دهقانی و جناب آقای دکتر غلامعلی پاشازاده سپاسگزاری می نمایم و تقدیر و تشکر خویش را به آنان هدیه می دارم.

چکیده

جنگ‌های متعدد در افغانستان، شورش‌های متوالی علیه حکومت مرکزی و براندازی‌های پیاپی دولتمردان در این سرزمین باعث شده است که در عرصه سیاست و تاریخ، پروسه دولت-ملت سازی در افغانستان شکل نگیرد. در این میان نقش دولت‌های بزرگ غربی یعنی انگلستان و آمریکا و همسایه شمالی افغانستان، روسیه در ازمنه گذشته، در این بی‌نظمی بی‌تأثیر نبوده است. در این میان، نقش ایران و جدایی افغانستان از پیکره ایران بزرگ همواره در حاشیه توجه قرار داشته و اساس پیوندهای فرهنگی و گسست تاریخی و فرهنگی افغانستان از ایران بی‌اهمیت جلوه داده شده است و این در حالی است که جدایی افغانستان از پیکره ایران به عنوان یک سرزمین وابسته به اقتصاد ژئوپولیتیک فلات ایران رابطه تنگاتنگی با عدم شکل‌گیری دستگاه دولت و مفهوم دولت - ملت در افغانستان دارد. بنابر پژوهشی که در زمینه تهاجمات خارجی به افغانستان و عدم پدیده دولت - ملت در کشور افغانستان، در این رساله انجام گردید، مسائلی دیده شد که این کشور را از مسئله انسجام ملی در شکل دولت - ملت بازداشته است. لذا هدف اصلی این رساله، بررسی ریشه‌های توسعه نیافتگی و عدم انسجام دولت - ملت در افغانستان و تبعات آن است. این خواسته با تکیه بر روش تحقیق نظری (توصیفی)، تاریخی و براساس منابع کتابخانه‌ای است. یافته‌های بدست آمده نشان می‌دهد انسجام ملی (دولت-ملت) در این کشور در سیاست گذاری نحوه شکل‌گیری آن کشور و شکل قومی و موقعیت استراتژیک منطقه‌ای، و دخالت‌ها و تمایلات برون-مرزی کشورهای ثالث، رخ داده است.

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

۱	مقدمه
۲	بیان مسئله
۳	پرسش‌های تحقیق
۳	فرضیه‌های تحقیق
۴	روش تحقیق
۴	پیشینه تحقیق
۴	نقد و بررسی منابع
۷	فصل ۱: کلیات و مفاهیم جغرافیایی، تاریخی و مبانی قومی در افغانستان
	۱-۱: نگاهی به جغرافیا، اقوام و تاریخ افغانستان از جدایی از ایران تا اعطای استقلال
۸	به طور رسمی:
۸	۱-۱-۱: مروری بر جغرافیای افغانستان:
۱۱	۱-۱-۲: نگاهی به تاریخ افغانستان از تجزیه از ایران تا استقلال:
۲۷	۱-۱-۴: نگاهی به سیر تاریخی و کنش‌ها در روابط و مناسبات بین اقوام افغانستان:
۳۵	۱-۲: از قومیت تا دولت - ملت:
۳۵	۱-۲-۱: تعریف قوم و قومیت:
۴۳	۱-۲-۲: بررسی مفهومی پدیده دولت - ملت:
	فصل ۲: تأثیرمداخلات و تجاوزات قدرت‌های بزرگ در عدم یکپارچگی سیاسی
۵۶	تاریخی افغانستان:
۵۷	۱-۲: نقش انگلیس در سرنوشت افغانستان:
۵۷	۱-۲-۱: نگاهی به سیاست و تمایلات انگلیس در افغانستان:

- ۲-۱-۲: نگاهی به جنگ آنگلو - افغان اول و نتایج آن..... ۷۲
- ۳-۱-۲: نگاهی به نقش استعماری انگلیس در توطئه جدایی هرات از ایران در دوره ناصرالدین شاه ۸۶
- ۴-۱-۲: جنگ آنگلو- افغان دوم..... ۹۲
- ۵-۱-۲: عهدنامه گندمک..... ۹۴
- ۶-۱-۲: تعیین خط دیورند..... ۹۷
- ۷-۱-۲: حکمیت دوم سیستان..... ۹۸
- ۸-۱-۲: بررسی تحولات از نامه ابریشمین در افغانستان تا گاندی در هند..... ۹۹
- ۹-۱-۲: جنگ سوم آنگلو- افغان و استقلال افغانستان..... ۱۰۱
- ۲-۲: بررسی تاریخی اهداف روسیه در افغانستان..... ۱۰۶
- ۱-۲-۲: اهداف استراتژیکی روسیه در ایران و افغانستان..... ۱۰۶
- ۲-۲-۲: سیر تاریخ تحولات افغانستان در دوره روسیه تزاری..... ۱۰۸
- ۳-۲-۲: نگاهی به روسوفوبها یا روس هراسی بریتانیا، بهانه شروع جنگ..... ۱۱۱
- ۴-۲-۲: نگاهی به مقاله ۱۹۰۷ روس و انگلیس..... ۱۱۴
- ۳-۲: تمایلات برون مرزی در دوره شوروی..... ۱۱۶
- ۱-۳-۲: چگونگی تسلط بر جزیره جهانی و تکمیل هارتلند بودن شوروی..... ۱۱۶
- فصل ۳: بررسی اوضاع افغانستان در دوره حاکمیت کمونیسم و مناسبات امریکا و کشورهای مسلمان منطقه با این کشور..... ۱۲۰
- ۱-۳: تأثیر بلشویک ها در گرایش های سیاسی و سرنگونی سیستم پادشاهی در افغانستان..... ۱۲۱
- ۱-۱-۳: تأثیر سقوط تزارها بر تسخیر بخارا و ترکستان توسط روسیه:..... ۱۲۱
- ۲-۱-۳: بررسی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و تأثیر بحران قومی در افغانها..... ۱۲۳
- ۳-۱-۳: تأثیر روسیه بر رویداد کودتای ۱۹۷۳. م/ ۱۳۵۲ خورشیدی در افغانستان و تبعات آن..... ۱۲۸

- ۳-۱-۴: نگاهی به کودتای ۷ ثور ۱۹۷۸ میلادی/۱۳۵۷ خورشیدی ۱۳۶
- ۳-۱-۵: بررسی فعالیت آگسا (AGSA) و دستاورد شوروی در افغانستان ۱۳۸
- ۳-۱-۶: شوروی و تضعیف پایه های دولت - ملت در افغانستان ۱۳۸
- ۳-۱-۷: تجاوز شوروی به افغانستان ۱۴۱
- ۳-۲: آمریکا و سیر تحولات در افغانستان ۱۵۰
- ۳-۲-۱: روابط آمریکا با افغانستان از آغاز تأسیس دولت افغانستان ۱۵۰
- ۳-۲-۲: پشتونیسیم و تقویت قوم گرایی از سوی آمریکا ۱۵۹
- ۳-۲-۳: یازده سپتامبر؛ از هجوم ایالات متحده آمریکا تا دولت - ملت سازی در افغانستان ۱۶۳
- ۳-۳: نقش کشورهای مسلمان منطقه در افغانستان ۱۷۱
- ۳-۳-۱: عربستان و پاکستان: اشاعه دهنده بنیادگرایی و تنش ۱۷۱
- ۳-۳-۲: تأثیر سیاسی و فرهنگی ایران در تثبیت دولت - ملت در افغانستان ۱۷۹
- ۳-۳-۳: زبان فارسی؛ عدم گسست تاریخی - فرهنگی ۱۸۲
- ۳-۳-۴: حمایت ها و سیاست های دولت های ایران در قبال دول و مردم افغانستان ۱۸۵
- نتیجه گیری ۱۹۸
- منابع و مآخذ ۲۰۴
- چکیده انگلیسی ۲۱۷

کلید واژه ها: افغانستان، انسجام ملی، دولت - ملت سازی، گسست تاریخی فرهنگی، تهاجمات خارجی

مقدمه

افغانستان در همسایگی ایران و با دارا بودن ۹۳۰ کیلومتر مرز مشترک، همواره برای دولت ایران دارای اهمیت بوده است. افغانستان یک کشور مسلمان است و جمعیت قابل ملاحظه ای از شیعیان و فارس زبانان در آن ساکن هستند و یکی از موضوعات سیاست خارجی ایران بوده است. از آنجا که افغانستان، به دست انگلستان از پیکره ایران جدا شده است، در ذهن تاریخی مردم ایران خاطره‌ای ناخوشایند بر جای گذاشته است. اما نبود دولتی مقتدر یا حداقل دارای ثبات در این کشور، باعث نفوذ قدرت‌های استعمارگر و امپریالیستی در این کشور گردیده که باعث به خطر افتادن منافع ایران در منطقه شده‌اند. چنانچه انگلستان و روسیه با نفوذ در این کشور بسیاری از مرزهای ایران را به خطر انداختند و باعث جدایی بخش‌هایی از کشور ما شدند، امروز نیز آمریکا با حضور خود و سعی در ایجاد پایگاه‌های نظامی دائم در اطراف هرات - که شهری است با فرهنگ ایرانی - خطرات احتمالی را در آینده برای ایران در بردارد. دولت‌های مختلف ایران در دوره‌های تاریخی مختلف همواره خواهان ثبات سیاسی و وجود یک دولت - ملت با مؤلفه‌های سیاسی مطلوب در این کشور بوده‌اند؛ زیرا وجود جنگ، درگیری و ناامنی در این کشور سبب زیان‌های اقتصادی برای ایران نیز شده است. با شروع جنگ داخلی افغانستان چند میلیون نفر مهاجر افغان وارد ایران شدند. عبور مواد مخدر، تهاجم اشرار، استقرار ایدئولوژی‌های مارکسیستی، امپریالیستی و مخرب در کنار ایران همواره هزینه‌های جانی و مالی بسیاری برای ایران در برداشته است. از سویی زبان فارسی و فرهنگ ایران - اسلامی در این کشور با خطر انزوا و دسته بندی‌های سیاسی قرار گرفته است. این اقدامات نگرانی‌های بسیاری برای دولت ما به وجود آورده‌است. در این راستا، سعی شده‌است نگرشی مطابق با واقعیت و مستدل بر پایه اسناد و منابع متعدد از انگیزه دولت‌های ذنفع در افغانستان ارائه گردد. در ابتدا، جغرافیا و اقوام ساکن در افغانستان و تاریخ مختصر جدایی این کشور از ایران آورده شده‌است.

در فصل دوم، تأثیر سه کشور انگلیس، روسیه (یا شوروی) و آمریکا در عدم شکل‌گیری پدیده دولت-ملت در افغانستان مورد تفحص قرار گرفته است. در فصل آخر نیز تأثیر سیاست‌های دولت عربستان و پاکستان در اشاعه بنیادگرایی دینی بررسی و در انتها نقش ایران و تمایل دولت ایران در برقراری دولت - ملت در افغانستان مطرح گردیده است.

بیان مسئله

منطقه افغانستان از دوره جدایی از ایران، در وهله اول به علت نحوه و نوع شکل‌یابی استقلال، سیاست‌ها و تمایلات کشورهای برون‌مرزی بزرگ به صورت مستمر در آن، در ساختار درونی دچار تشدید و اختلافات سیاسی و قومی - قبیله‌ای گردید و نتوانست ثبات سیاسی به دست آورد، و در مرحله بعد از آن نیز در نظام کمونیستی دچار جنگ و مشکلات انسجام ملی و درگیری حزبی و تشدید اختلافات سیاسی قومی و قبیله‌ای گردید و ثبات نیافت، و در مرحله سوم خود نیز بار دیگر به خصوص در دوره جمهوری جدید نیز که، مورد توجه دولت مردان آن و دول بزرگ و منطقه‌ای قرار داشت، کماکان درگیر جنگ و کشمکش‌های سیاسی - نظامی بوده است.

با وجود اینکه به تدریج در ظاهر سعی و تلاش شده است، انسجام ملی ایجاد شود و به انسجام دولت و ملت، به حفظ امنیت در آن و حراست از شهرها به هر صورتی احیا گردد ولی هنوز در این کشور تمرکز امور سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و انسجام قومی - ملی حاصل نگردیده است، و انسجام ملی، در دولت - ملت به طور کامل فراگیر نگردیده است، در بررسی این فرایند و هدف اصلی این رساله بررسی سیر تحول تاریخی و به تبع آن ریشه‌یابی موانع پدیده دولت-ملت، تأثیر تهاجمات خارجی در افغانستان و گسست تاریخی - فرهنگی و تبعات آن بوده است؛ و سعی بر آن است که بر اساس پرسش‌ها و فرضیات مطرح شده، دلایل عدم پدیده دولت - ملت و تحوّل تاریخی و ریشه و عدم انسجام دولت - ملت در افغانستان و تبعات آن مورد بحث و بررسی قرار گیرد. معیار ارزیابی موفقیت تحقیق، هماهنگی هدف تحقیق با پرسش‌های مطرح شده است.

انتظار می‌رود که نقش تهاجمات خارجی و گسست فرهنگی تاریخی در این باب شفاف گردد و سعی بر آن است که رهیافتی برای شکل‌گیری پدیده دولت-ملت در افغانستان با عنایت به پیشینه تاریخی به دست آید. در این خصوص نخست به طرح چند پرسش پرداخته و پس از بررسی هر کدام، فرضیه‌ای نیز در نظر گرفته شده است، اصلی‌ترین پرسش‌های رساله عبارت‌اند از:

۱- گسست‌های فرهنگی و تهاجمات خارجی چه تأثیری در عدم شکل‌گیری پدیده دولت-ملت در افغانستان داشته است؟

۲- عدم شکل‌گیری پدیده دولت-ملت در افغانستان چه تأثیر و پیامدهایی بر حیات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی این کشور داشته است؟

۳- راه برون‌رفت از این گسست فرهنگی - تاریخی با عنایت به تجربه‌های تاریخی چیست؟

فرضیه‌های تحقیق

۱- یکی از علل عدم شکل‌گیری دولت‌ملت در افغانستان به دلیل گسست تاریخی فرهنگی از ایران و تهاجمات و مداخلات دیگر کشورها در آن بوده است.

۲- مداخله و روابط سیاسی فرهنگی - اقتصادی افغانستان با کشورهای بزرگ و بروز تمایلات سیاسی و نظامی آنان در این کشور و آمدن سفرا و نمایندگان، از سوی آنان باعث شد شیوه‌های مختلف سیاسی فرهنگی، اقتصادی در افغانستان رواج گیرد و باعث عدم انسجام ملی و درگیری شود و توسعه ملی و وحدت دولت و ملت حاصل نگردد.

۳- برون‌رفت از چنین بن‌بستی در افغانستان کنونی در گسترش فرهنگ ایرانی نهفته است. در سایه گسترش فرهنگ ایرانی، بحث حوزوی شدن دین و رشد اقتصاد سوسیالیسم منطقه‌ای باعث کم‌رنگ شدن قومیت‌گرایی و توسعه شهرنشینی با مشارکت کشورهای منطقه خواهد شد.

روش تحقیق

بنیادی - نظری و روش توصیفی - تحلیلی که مواد آن عمدتاً از منابع مکتوب و کتاب‌ها حاصل می‌شود. به دلیل عدم امکان بررسی وقایع از طریق روش تجربی ضرورتاً از تکنیک‌های روش تحقیق در علوم انسانی و اجتماعی استفاده شده است و با تکیه بر این روش به گردآوری اطلاعات و بازسازی رویدادهای گذشته اقدام می‌شود.

نخست با جمع‌آوری اطلاعات، با مراجعه به منابع مختلف مورد نظر و مطالعه کتاب از کتابخانه و استفاده از روش اسنادی تحلیلی به ارزشیابی و بررسی صحت و سقم اطلاعات و درک همانندی‌ها و ناهمسانی‌ها و ترکیب دلایل مستدل و حقایق گذشته به صورت منظم و مرتبط ارائه می‌شود. هم‌چنین با مقایسه همانندی آن و اختلاف‌ها در وقایع یک دوره تاریخی و درک روابط علت و معلولی میان رویدادها و تجزیه و تحلیل واقعه پرداخته و در نهایت نتایج پژوهش در خور توجه و قابل قبول در ارتباط با پرسش‌های اصلی پژوهش ارائه می‌گردد.

پیشینه تحقیق

برخی از آثار تحقیقاتی به صورت پراکنده به بررسی عدم تحقق پدیده دولت-ملت در بین جامعه و اقوام افغانستان پرداخته‌اند ولی به عللی، کافی و مثمرتر نگردیده و نیاز بود تا تحقیقی گسترده تر انجام شود، تا نسبت به اهمیت تاریخی، این‌گونه مسائل اجتماعی و سیاسی آشنایی بیشتری از گذشته صورت پذیرد.

نخست برخی مطالعات پژوهشی در این خصوص معرفی می‌گردد، یکی از این آثار مطالعاتی مرتبط کتاب افغانستان در پنج قرن اخیر، نوشته میرمحمد صدیق فرهنگ است، که در این اثر از مسائل فرعی و درجه دوم سخن به میان آورده و در این خصوص به علت اصلی معضلات افغانستان و ریشه‌های گسست تاریخ و فرهنگی که در آن وجود دارد نپرداخته است.

اثر مرتبط دیگر نوشته ریاضی هروی با نام عین الوقایع تاریخ افغانستان است و سعی در ایجاد تفاهم و دوستی در جامعه و در بین کشورهای همسایه افغانستان در جهت کمک به انسجام داخلی و تحقق وحدت ملی در شکل دولت-ملت نموده‌اند و از ایران به عنوان کشور دوست و همسایه که همیشه یاور آنان بوده، نام برده‌اند.

اثر دیگر کتاب تاریخ تجزیه شاهنشاهی افغانستان اثر عبدالحی حبیبی است، که بسیار دقیق به نقش انگلستان در خصوص ایجاد تفرقه و تجزیه سرزمین‌های منطقه پرداخته است. اما این اثر نیز به صورت ریشه‌ای به موضوع نپرداخته است.

دیگر آثار از منابع فارسی مانند کتاب افغانستان نوین نوشته وارتان گریگوریان است که اطلاعات در سطح وسیعی از منظر اقتصادی و اجتماعی در این خصوص به دست می‌دهد. اما در این کتاب نیز به ریشه‌های جدایی و گسست در کنار عدم وجود دولت به عنوان سرمنشاء مشکلات نمی‌پردازد. در عین حال، با توجه به اینکه بیشتر مطالب براساس منابع مرتبط با موضوع بوده، در بخش معرفی و نقد منابع مفصل به این موضوع پرداخته شده است.

نقد و بررسی منابع

نقد منابع در ابتدا به کتاب‌هایی پرداخته شده است، که مهم بوده و استفاده بیشتری از آن در رساله گردیده همانند منابع انگلیسی دست اول مانند سفرنامه که به وفور دسترس است. کتاب‌های لاتین نیز در خصوص تهاجم شوروی بسیار دقیق و متنوع به موضوع پرداخته‌اند. اسناد و متون تاریخی و نامه‌های رد و بدل شده بین دولت ایران و افغانستان به وفور یافت می‌شود. نوشته‌های تاریخ‌دانان در هر دو طرف موجود می‌باشد. از این نامه‌ها و مکاتبات به لحاظ دست اول بودن، در قسمت قاجاری و جدایی افغانستان از ایران و روابط دوران پهلوی استفاده شده است. برای مثال کتاب علیقلی میرزا اعتضاد السلطنه، به نام تاریخ وقایع و سوانح افغانستان بسیار دقیق به شرح جزئیات پرداخته است که می‌توان از لابه لای تشریحات آن به نکات ریزی دست یافت.

در کتاب رضاقلی خان هدایت به نام روضه الصفا ناصری می‌توان از روابط میان دربار قاجار و امیران افغان آگاهی یافت. در بسیاری از موارد، حاکمان افغان به کرات دست‌نشانده‌گی خود را در برابر شاهان قاجار اذعان می‌دارند. حتی گاهی در جنگ علیه انگلیس یا جنگ‌های انگلو افغان از شاه ایران استمداد می‌کردند. کتاب‌های دوران قاجار نیز منبع بسیار باارزشی برای بررسی حوادث با جزئیات بسیار مهم می‌باشند.

از کتاب‌های نوشته شده می‌توان به کتاب «افغانستان مدرن» اشاره کرد. این کتاب دارای دیدی متفاوت است و در آن می‌توان نظریه‌های جبارانه نویسندگان را مشاهده کرد. در این نوع کتاب‌ها، نویسنده با توجه به گرایش‌های خاصی دست به قلم برده و سعی نموده به طرق مختلف نظریه خود را تحمیل نماید و در این نوع نیز نویسنده سعی در به رسمیت شناختن نام افغان از سوی کل مردم افغانستان و نظریاتی که مشکوک به دسته بندی‌های سیاسی است. اما این کتاب در بخش چگونگی روی کار آمدن دولت مارکسیستی به دلیل اینکه نویسنده کتاب در پست وزارت امور خارجه بوده در همان زمان، دارای اطلاعات با ارزشی می‌باشد. در کتاب افغانستان در پنج قرن اخیر، نویسنده تا حد بسیار زیادی از تعصب به دور بوده و سعی نموده چهره ای تاریخی و به دور از تمایلات قومی و نژادی دست به قلم ببرد. نویسنده این کتاب به مسائلی از دید تاریخ اشاره می‌کند که از نظر اهل تاریخ مستند بوده و قابل تحقیق و استناد می‌باشند.

فصل اول:

کلیات و مفاهیم جغرافیایی، تاریخی

و مبنای قومی در افغانستان

۱- کلیات و مفاهیم جغرافیایی، تاریخی و مبانی قومی در افغانستان

۱-۱: نگاهی به جغرافیا و سیر تاریخی و اقوام افغانستان از جدایی از ایران تا اعطای

استقلال رسمی

۱-۱-۱: مروری در موقعیت جغرافیای افغانستان

افغانستان کشوری در نیم کره شمالی و در جنوب غربی آسیا بین ۲۹ درجه و ۲۲ دقیقه و ۵۳ ثانیه و ۳۸ درجه و ۲۹ دقیقه و ۲۷ ثانیه عرض جغرافیایی شمالی و بین ۶۰ درجه و ۲۸ دقیقه و ۴۱ ثانیه و ۴۷ درجه و ۵۱ دقیقه و ۴۷ ثانیه طول جغرافیایی شرقی واقع شده است. (گروه پژوهش سینا: ۱۳۸۱، ص ۳۱) و مساحت آن ۶۵۲۲۲۵ کیلومتر مربع می باشد. این کشور پهناور محصور در خشکی می باشد، به دریاها و آب های آزاد راهی

ندارد و بندرهای کوچک آن فقط محدود به رود آمودریا یا جیحون می‌باشد. افغانستان در شمال با تاجیکستان، ترکمنستان و ازبکستان و در شرق با ایالات سینگ کیانگ در جمهوری خلق چین و از غرب با ایران و در جنوب با پاکستان همسایه است که مجموع این مرزها به ۵۸۰۰ کیلومتر می‌رسد.

در شمال و شرق افغانستان کوه‌های هندوکش وجود دارد که از شمال و میانه افغانستان عبور می‌کند و بیشتر این سرزمین ناآرام را در بر می‌گیرد. این کوه‌ها هر چه به سمت ایران پیش می‌روند از ارتفاع آنها کاسته شده و در مرز خراسان به کوه تپه‌های کم‌ارتفاع تبدیل می‌شوند. این سرزمین دارای بهاری خشن با سیلاب‌ها و باران‌های تند بهاری، تابستانی خشک و زمستان و پاییزی بسیار سرد است. هر فصل نهایت توان خود را برای سخت نمودن زندگی در این سرزمین به کار بسته است.

افغانستان دارای ۱۸ کوهستان مهم است که بلندترین آن هندوکش با ارتفاع ۶۲۹۸ متر ارتفاع است. سلسه کوه‌های دیگر به نام سپین غر، سلیمان و خواجه عمران افغانستان را از پاکستان جدا می‌سازد و سلسه کوه‌های پغمان، گل‌کوه در داخل کشور از شمال شرق رو به جنوب غرب امتداد دارد. تنها قسمت جنگلی مربوط به حاشیه سرحد شرقی، سلسه کوه‌های کُتر و پکتیا می‌باشد که بادهای موسمی نیم قاره هند در آنجا جریان دارد. (فرهنگ: ۱۳۸۵، ص ۳۲). رودهای افغانستان از سمت همین کوه‌ها و بیشتر از شرق کشور به سمت پایین و غرب در جریان هستند که به دلیل کم شدن ارتفاع سریع رودهای پرخروشی در این سرزمین وجود دارد و حیات سیستان ایران وابسته به همین کوه‌های واقع شده در شرق افغانستان می‌باشد.

مهم‌ترین رود افغانستان آمودریا یا جیحون است که قسمت‌هایی از آن قابل کشتی‌رانی می‌باشد و در افغانستان همان نقشی را که بین ایران و ترکمنستان در تعیین مرز ایفا می‌کند، به عهده دارد. از دیگر رودهای افغانستان، رود هلمند (لفظ افغانی و هیرمند تلفظ ایرانیان است) دومین رود بزرگ افغانستان می‌باشد که از کوه‌های پغمان در غرب کابل سرچشمه می‌گیرد و به سوی سیستان ایران سرازیر می‌شود و در قسمتی نقش مرز بین دو کشور را بازی می‌کند.

هریرود سومین رودخانه طولانی افغانستان نیز از کوه بابا در مرکز افغانستان جاری می‌شود و اندکی از مرز ایران و افغانستان را نیز تشکیل می‌دهد. کابل‌رود نیز دیگر رود طولانی افغانستان است که پس از عبور از مرز پاکستان به رود سند می‌ریزد. اهمیت این رودهای پرخروش، قابلیت تولید برق آنهاست.

در کل در افغانستان نوزده رود و هفت دریاچه کوچک هست که قدرتی در سرسبز کردن این سرزمین خشک و بیابانی ندارند. آب و هوای این سرزمین در میان آن نسبت به جنوب و شرق آن سردتر می‌باشد. افغانستان دارای منابع زیرزمینی غنی آب است اما مردم به دلیل استفاده نامناسب از سوی دولت‌ها، همیشه در آن با مشکل کم‌آبی روبرو بوده‌اند. افغانستان از نگاه جغرافیایی در مرکز آسیا حیثیت چهارراه را در بین مناطق بزرگ این قاره دارد، در جریان تاریخ درازمدت خود مکرراً مورد هجوم قرار گرفته است. (گروه پژوهش سینا: ۱۳۸۱، ص ۶۳).

طبق آمار سایت سازمان اطلاعات آمریکا^۱، ۵۵۲۹ کیلومتر مجموع مرزهای افغانستان می‌باشد که ۷۶ کیلومتر با چین، ۹۳۶ کیلومتر با ایران، ۲۴۳۰ کیلومتر با پاکستان، ۱۲۰۶ کیلومتر با تاجیکستان، ۷۴۴ کیلومتر با ترکمنستان، ۱۳۷ کیلومتر با ازبکستان می‌باشد و فاقد مرزهای آبی است. ارتفاع از سطح دریا در پست‌ترین نقطه آمودریا می‌باشد که ۲۵۸ متر از سطح دریا بالاتر است و مرتفع‌ترین نقطه در نوشک می‌باشد که ۷۴۸۵ متر از سطح دریا بالاتر است.

منابع طبیعی آن شامل گاز طبیعی، نفت خام، زغال سنگ، مس، کرومیت، سیلیکات منیزی، سولفات باریم طبیعی، سولفور، سرب، روی، سنگ آهن، نمک، گرانها یا نیمه گرانها است. زمین‌های قابل کشت ۱۱/۹۵ درصد، کشت دائمی ۱۸٪. درصد و مجموع منابع آبی تجدیدپذیر شامل ۶۵/۳۳ کیلومتر مکعب است. بلایای طبیعی آن آسیب‌های ناشی از زلزله - که در کوه‌های هندوکش رخ می‌دهد -، سیل، خشکی و بی‌آبی می‌باشد. محدود بودن منابع ذخیره آب طبیعی، آب غیر قابل شرب ناکافی، خاک سست، جنگل زدایی که بیشتر جنگل‌های

باقی مانده برای مصرف سوخت و مصالح ساختمانی قطع شده‌اند؛ بیابان‌زایی و آلودگی آب و هوا را در پی داشته

است. (THE FACT WORLD, AFGHANISTAN, WWW.CIA.GOV, 12MAY14)

۱-۱-۲ نظری به تاریخ افغانستان از جدایی از ایران تا استقلال

افغانستان در دوران باستان به علت بود و باش آریاییان، به آریانا معروف بوده و در دوران ساسانیان و دوران اسلامی به خراسان معروف بوده است نام افغانستان بسیار جدید است و از اوایل قرن ۱۱ هجری یا ۱۷ میلادی شنیده شده است. وجود قبیله و نظام قبیله ای در افغانستان بسیار برجسته است که با توجه با شرایط جغرافیایی خاص بر تاریخ این کشور نیز تأثیر گذارده است. اما این موضوع پیش از جدایی متفاوت بوده است.

در نگاه اجمالی به تنوع قومی سپاه نادرشاه، در کنار برخی نام‌های قومی مانند بختیاری، قزلباش، اکراد و بلوچ‌ها نام افغان‌ها نیز مشاهده می‌گردد و این بدان معناست که مهاجم افغان‌ها به ایران، تفکری است نادرست و آن‌را باید یک قیام بر علیه حکومت مرکزی دانست، چراکه آنان به سرعت پس از حذف سرکردگان افغان مانند محمودافغان، جذب سپاه نادر شدند. هنگامی که نادرشاه بر سر کار آمد، طایفه غلزایی‌ها را -که همیشه تهدیدکننده شرق به خصوص مشهد بودند- شکست داده به قندهار عقب راند.

نادر برای تحت تسلط در آوردن قبایل افغان، آنها را وارد سپاه خود نموده و با سیاست، رفتار ملایمی نسبت به آنان اتخاذ نمود. نادرشاه سربازان خود را از میان طایفه ابدالی‌ها انتخاب می‌نمود که در جنگ شجاعت بسیاری داشتند و همین که باعث شود توازن قدرت طایفه‌ای در آن سرزمین حفظ گردد. (ولیان: ۱۳۴۰، صص ۹، ۱۰)

نادرشاه حتی در حمله به هند در نبرد کرنال در برابر سپاه محمدشاه هندی نادر در راس سپاه خود از هزار سرباز افغان استفاده کرد که نشان‌دهنده اعتمادی وی به شجاعت و وفاداری افغان‌ها بوده است و حتی بعد

از فتح کشمیر سربازان درانی را به همراه دیگر سپاهیان خود برای حفظ آنجا می‌گمارد و حتی قزلباشان نادر، پس از مرگ وی به خدمت احمدشاه درانی در می‌آیند. (افشاریزدی: ۱۳۵۹، ص ۶۰۵).

احمدشاه تا زمان استیلای نادرشاه هیچ فعالیتی در سیاست و حکومت نداشت، تا اینکه نادرشاه قندهار را تصرف کرده و ذوالفقار خان را به مازندران تبعید می‌کند و احمدشاه نیز تا سن بیست سالگی در مازندران می‌ماند تا اینکه به دربار نادرشاه راه می‌یابد. نادرشاه او را در ردیف افسران نظامی قشون افغانی خود جای می‌دهد و به مرور زمان به دلیل نشان دادن لیاقت او را به فرماندهی نیروهای ابدالی و ازبک قرار می‌دهد. (غبار: ۱۳۷۴، ص ۳۵۴)

دوره توسعه طلبی امیران این سرزمین از سال ۱۷۴۷ تا سال ۱۸۰۰ میلادی ادامه یافته و برخی صاحب‌نظران معتقدند، در این دوره احمدشاه ابدالی با شعار اتحاد جغرافیایی خراسان بزرگ به تصرف مناطقی از جمله سومنات و مرهته‌ها تا دهلی اقدام می‌کند. (مرادی: ۱۳۹۰، ص ۳۹).

اعلان پادشاهی وی را نباید مبنای جدایی افغانستان دانست، زیرا وی بیشتر به دنبال تسلط بر خراسان و سپس بر دیگر نواحی ایران بود. در نامه احمدشاه ابدالی به وضوح خراسان جزو ایران - که آن را «مملکت فسیح الفسحت» نامیده - ذکر شده و از کشوری به نام خراسان و یا افغانستان ذکری به عمل نیامده و «ایل جلیل افغان» نیز در کنار نام دیگر ایلات ایران آمده است. (مصباح زاده: ۱۳۸۷، ص ۵۲).

بعد از مرگ نادرشاه افشار در سال ۱۷۴۷ که منجر به بروز تحولات تازه سیاسی و تغییرات در قلمرو ایران شد احمدخان ابدالی رئیس قبیله غلجایی، اساس حکومت افغان‌ها متشکل از چند قبیله پشتون را در قندهار گذاشت. از آن به بعد حاکمیت سیاسی خراسان در محوریت قندهار در قبضه قبایلی چند مثل بارکزایی - ها، سدوزایی‌ها و محمدزایی‌ها با مناسبات ناسازگاری قبایل افغان در برابر هم قرار گرفت که روند شکل‌گیری و توسعه نظام قبیله‌ای، آنها را به تصاحب کشوری - که بعدها افغانستان نامیده شد - سوق داد.